

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے علیہ السلام

«اجتماع امر و نہی»

شمارہ: ۱۹

مرحوم محقق خراسانی رحمته الله می‌فرمایند: ثُمَّ أَنَّهُ قَدْ اسْتَدَلَّ عَلَى الْجَوَازِ بِأُمُورٍ:

منها: أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْزِ اجْتِمَاعُ الْأَمْرِ وَالنَّهْيِ، لَمَّا وَقَعَ نَظِيرُهُ وَقَدْ وَقَعَ، كَمَا فِي الْعِبَادَاتِ الْمَكْرُوهَةِ كَالصَّلَاةِ فِي مَوَاضِعِ التُّهْمَةِ وَفِي الْحَمَامِ وَالصِّيَامِ فِي السَّفَرِ وَفِي بَعْضِ الْأَيَّامِ^١.

توضیح: روشن است که وقوع شیئی در خارج أدلّ دلیل بر امکانش و جوازش است، و از سوی دیگر احکام خمسّه تماماً یا از ناحیه مبدء و یا از ناحیه منتها تضاد دارند، و اجتماع دو تا حکم در شیء واحد امکان ندارد، پس چنانچه اجتماع وجوب و حرمت در شیء واحد امکان ندارد، اجتماع وجوب و کراهت، یا اجتماع وجوب و استحباب و یا وجوب و اباحه هم امکان ندارد و هکذا.

در نتیجه از اجتماع وجوب و کراهت در شیء واحد مانند نماز در حمام پی می‌بریم که مانعی از اجتماع مطلق امر و نهی در شیء واحد نیست، چه آن دو حکم الزامی باشند و یا غیر الزامی باشند.

اشکال: همانطور که ملاحظه نمودید مرحوم آقای آخوند رحمته الله به صیام در سفر مثال زدند، برخی از محققین به ایشان اشکال کرده‌اند که این مثال غیر مربوط به محل بحث می‌باشد؛ چون صوم در غیر موارد مستثنا مأموره نیست نه از حیث وجوب و نه استحباب یا اجتماع وجوب یا استحباب با کراهت لازم آید، بدیهی است که صوم در غیر از موارد یاد شده در فقه مشروع نیست، بنابراین اتیان و گرفتن روزه به قصد.

موارد استثناء مثل نذر الصوم فی السفر و این مکروه نیست تا اجتماع لازم بیاید.

و نیز اشکال شده به مثال صلاة در مواضع تهمت، چون صلاة در اینگونه موارد عبادت مکروه نیست؛ زیرا دلیلی بر کراهت آن وارد نشده، بلی دلیل وارد شده بر کراهت بودن و ماندن در مواضع تهمت، و کون هم متحد با

١. مثل عاشورا.

صلاة نیست تا صلاة در آن مکروه باشد، بلکه کون شیء ملازم صلاة است در وجود و در خارج و نظیر غصب نمی باشد.

مثال برای صلاة مکروهه مانند نماز در حمام یا بر قبر یا بسوی قبر یا بین قبور و یا مرابض غنم و مرابط ابل و معاطن ابل و...

جواب: أمّا مثال صوم در سفر، شاید مراد مرحوم آقای آخوند رحمته الله روزه مستحبی باشد نه واجب؛ چون که روزه واجب در سفر باطل است بلا کلام، بلکه روزه مستحبی هم محل خلاف است، و اقوی بطلان است.

مرحوم آقای آخوند رحمته الله می فرمایند: این دلیل نقضی آقایان قائلین به جواز اجتماع به بیان ملازمه نیاز دارد؛ چون هر قیاس استثنائی که نقیض تالی آن استثناء شده محتاج به اثبات ملازمه و اثبات رفع تالی است تا رفع مقدم را نتیجه دهد، و ملازمه در مقام بحث بدیهی است بخاطر وجود تضاد بین جمیع احکام. أمّا رفع تالی مستفاد است از ظواهر ادله شرعی چون ظاهرشان اجتماع کراهه و وجوب در عبادات و یا استحباب و کراهه و...

بیان دیگر: اگر تعدّد جهت فایده در امکان اجتماع امر و نهی نداشته باشد اجتماع دو حکم دیگر (مانند وجوب و کراهه یا استحباب و کراهه) هم جایز نمی باشد در مورد تعدّد جهت؛ چون که به اجتماع امر و نهی (وجوب و حرمت) اختصاص ندارد بلکه همه را فرا می گیرد.

مقصود مرحوم آقای آخوند رحمته الله از ملازمه همین جمله (أنّه لو لم یجز اجتماع الامر والنهی لما وقع نظیره...) در واقع تقریب استدلال مرحوم محقق قمی رحمته الله و دیگر مجوّزین است، و آنچه را که آورده اند فرمایش خود صاحب قوانین رحمته الله است: و عبارت قوانین این است: **أنّه لو لم یجز ذلك لما وقع في الشرع، و قد وقع كثيراً منها العبادات المكروهة فإنّ الاستحالة المتصورة أنّها هي من جهة اجتماع الضدين، والأحكام الخمسة كلّها متضادة بالبدیة، فلو لم یكن تعدّد الجهة في الواحد الشخصي مجدّياً للزم القبح والمحال، وهو محال**

على الشارع الحكيم، مع أنّ هذا يدلّ على المطلوب بطريق أولى، إذ النهي في المكروهات تعلّق بالعبادات دون ما نحن فيه.^٢

يعنى صلاة در دار غصبی، و اینکه منهی عنه به نهی تنزیهی أخص از مأموریه است مطلقاً بخلاف ما نحن فيه؛ چون نسبت بین صلاة و غصب عموم من وجه می باشد.

از آنچه گفته شد بدست می آید که عقل حکم نمی کند بر امتناع اجتماع در منهی عنه به نهی تحریمی نیز اگر منهی عنه أخص از مأموریه مطلقا باشد، اگرچه اثباتش از جهت فهم عرفی امکان دارد.^٣

١. القوانين، ج ١، ص ٣٢٨.

١. دنباله قوانین می باشد.